



A comparative study of coherence in the semantic system of the Quran from the point of view of Allameh Tabatabai (RA) and Izutsu

Fahima Jafarsteh^a *, Keyvan Ehsani^b, Alireza Tabibi^c, Fateme Dastrange^d

^a Assistant Professor, Department of Theology, Faculty of Humanities, Arak University, Arak, Iran, fahimeh_jafarsteh@yahoo.com

^b Assistant Professor, Department of Theology, Faculty of Humanities, Arak University, Arak, Iran

^c Associate Professor, Department of Theology, Faculty of Humanities, Arak University, Arak, Iran

^d Associate Professor, Department of Theology, Faculty of Humanities, Arak University, Arak, Iran

KEYWORDS

Coherence,
Semantic system,
Quran,
Allameh Tabatabai,
Izutsu

Received: 02 August 2022

Acceptance: 13 September 2022

Article type: Research Paper

DOR: 20.1001.1.28212754.1401.1.1.2.8

ABSTRACT

God, the Wise, has arranged the verses of the Qur'an in the utmost coherence and harmony so that they can tell His intentions well. Continuity and semantic connection of the verses of the Qur'an, the coherence of the verses in the arrangement of the words makes it clear and reveals the miracles of the Qur'an. Believing in the existence of a semantic connection between the words and verses of the Qur'an is considered one of the important backgrounds of the science of semantics and the interpretation of the Qur'an to the Qur'an. Allameh Tabatabai believes that the teachings of the Qur'an, like the truths of existence, are constantly validating and interpreting each other and are linked together in a single goal, and this semantic link exists not only in the verses but also among the words of the Qur'an, and each word has its exact meaning in relation to other words. is found again The semantic connection between the words of the Quran has been the focus of some linguists, including the famous Japanese linguist Izutsu. He also believes that the language of the Qur'an has a regular communication system in which the position of each word in the interconnected network of the concepts of the Qur'an can be recovered. The present article examines the foundations of Allameh Tabatabai (the independence of the Quran, the semantic connection of the verses of the Quran, paying attention to the context of the verses, etc.) and Izutsu (the Holy Quran as an independent semantic device, the existence of conceptual bodies, coherent lexical usages, etc.). .) has extracted their opinions about the coherence and continuity of the Qur'an and stated that despite differences in quantity and quality, linguistic semantics is similar to the interpretation of the Qur'an in some ways, because both emphasize the systematicity of the language of the Qur'an. They take advantage of the inner context of speech and intertextual relationships in discovering the meaning of God and prove the coherence and continuity of the Qur'an.

* Corresponding author.

E-mail address: fahimeh_jafarsteh@yahoo.com

©Author





بررسی تطبیقی انسجام در نظام معنایی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) و

ایزوتسو

فهیمة جفرسته الف*، کیوان احسانی ب، علیرضا طبیبی ج، فاطمه دسترنج د

الف استادیار، گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، شهر اراک، کشور ایران، fahimeh_jafrasteh@yahoo.com

ب استادیار، گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، شهر اراک، کشور ایران، k-ehsani@arak.ac.ir

ج دانشیار، گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، شهر اراک، کشور ایران، noavaritafsiri@gmail.com

د دانشیار، گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، شهر اراک، کشور ایران، fatemehdastranj@yahoo.com

واژگان کلیدی	چکیده
انسجام، نظام معنایی، قرآن، علامه طباطبایی، ایزوتسو	خداوند حکیم، آیات قرآن را در نهایت انسجام و هماهنگی سامان داده است تا به خوبی حکایتگر مقاصدش باشند. پیوستگی و پیوند معنایی آیات قرآن، انسجام آیات در چینش کلمات را بر ملا می‌سازد و از اعجاز قرآن پرده بر می‌دارد. باور به وجود ارتباط معنایی میان کلمات و آیات قرآن از پیش زمینه‌های مهم علم معناشناسی و تفسیر قرآن به قرآن محسوب می‌شود. علامه طباطبایی معتقد است معارف قرآن همچون حقایق هستی، پیوسته مصدق و مفسر یکدیگرند و در هدفی واحد با هم پیوند دارند و این پیوند معنایی نه تنها در آیات بلکه میان واژگان قرآن نیز وجود دارد و هر واژه معنای دقیق خود را در ارتباط با واژگان دیگر باز می‌یابد. ارتباط و پیوند معنایی میان واژگان قرآن مورد توجه برخی از زبان‌شناسان از جمله ایزوتسو زبان‌شناس معروف ژاپنی قرار گرفته است. ایشان نیز معتقد است که زبان قرآن دارای نظام ارتباطی قاعده‌مندی است که در آن جایگاه هر واژه در شبکه به هم پیوسته مفاهیم قرآن قابل بازیابی است. مقاله حاضر با بررسی مبانی علامه طباطبایی (استقلال قرآن، پیوند معنایی آیات قرآن، توجه به سیاق آیات و...) و ایزوتسو (قرآن کریم به مثابه دستگاه معنایی مستقل، وجود پیکره‌های مفهومی، کاربردهای واژگانی منسجم و...) نظرات آنها در مورد انسجام و پیوستگی قرآن را استخراج و بیان کرده است که معناشناسی زبانی با وجود اختلافاتی در کمیت و کیفیت ولی از جهاتی با تفسیر قرآن به قرآن شباهت دارد، چرا که هر دو ضمن تاکید بر نظام‌واره بودن زبان قرآن از بافت درونی سخن و روابط بینامتنی در کشف مراد خداوند بهره می‌گیرند و انسجام و پیوستگی قرآن را اثبات می‌کنند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۱	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۲	
مقاله علمی پژوهشی	

۱. مقدمه

در طول تاریخ پژوهش‌های دینی، مفسران و محققان علوم قرآنی از وجوه مختلف به مطالعه و فهم قرآن پرداخته‌اند، یکی از این وجوه پرداختن به پیوستگی و انسجام سور قرآن است. میان تمامی دانشمندان علوم قرآنی و مفسران،

پیرامون چینش^۱ آیات در سوره‌ها و توقیفی بودن آن اجماع نظر وجود دارد ولی در مورد چینش سوره‌ها، عده‌ای از اندیشمندان معتقدند که چینش سوره‌ها به صورت توقیفی و در زمان پیامبر صورت گرفته و لذا این گروه درباره ارتباط میان آیات و ترتیب آنها قائل به نوعی پیوستگی^۲ و انسجام^۳ هستند، و اینگونه به تحلیل ساختاری سوره‌های قرآن به مثابه یک کل منسجم و یکپارچه نظر دارند.

نظریه پیوستگی و انسجام، ابتدا در بحث‌های ادبی و بررسی جنبه‌های اعجاز قرآن مطرح شد. مباحثی که ذیل «نظم» در قرآن یا «تناسب» آیات به وجود آمد، پیامد همین نگاه بود. ابن قیّم (۷۵۱ق) معتقد است تمامی قرآن بزرگ متناسب است و هیچ تنافر و تباینی ندارد. (ابن قیّم، ۱۴۰۸، ۲۸۷)

در ادامه راه این موضوع شکل جدی‌تری به خود گرفت و مفسران و محققان علوم قرآنی انسجام و پیوستگی را به عنوان یکی از اصول و مبانی خود در نظر گرفتند و رویکردشان نسبت به روابط متنی^۴ در قرآن از یک تبیین ساده، خطی-جزئی نگر^۵ به یک تحلیل پیچیده‌تر و مبسوط‌تر درباره وحدت ساختاری تبدیل شد. در این میان ایزوتسو و علامه طباطبایی (۱۴۰۲ق) از جمله عالمانی هستند که به این امر در مطالعات قرآنی خود اذعان نمودند. ایزوتسو از شبکه معنایی قرآن یا دستگاه معنایی قرآن یاد می‌کند که این امر نشان از اهتمام او برای اثبات پیوستگی آیات و سور قرآن است. از نگاه او حتی مفردات قرآن در یک شبکه مفهومی گسترده به هم مرتبط هستند و لذا در تبیین آنها باید به کل قرآن نظر شود. علامه طباطبایی نیز در میزان از موضوع اصلی سوره با عنوان «غرض سوره» یاد می‌کند و برای رسیدن به «غرض سوره» آیات ابتدایی و انتهایی و نیز سیاق^۶ آیات را بررسی می‌کند. این تلاش‌ها و کوشش‌ها برای اثبات پیوستگی و انسجام آیات و سوره برای بهره‌مندی بیشتر از معارف قرآن و رسیدن به هدفی است که در آیات، سوره‌ها و در سطح جامع در کل قرآن نهفته است. پژوهش حاضر در صدد است تا با شیوه تحلیلی و با استناد به آراء و روش‌های تفسیری ایزوتسو و علامه طباطبایی (گرچه ممکن است این دو روش در کمیت و کیفیت بهره‌برداری از مبانی اختلافاتی داشته باشند، ولی نقاط مشترک و سطوح تعامل بسیاری را میان آن دو می‌توان یافت) انسجام و پیوستگی متنی در قرآن را مورد بررسی قرار دهد. با توجه به اینکه از نظرات هر دو اندیشمند استفاده می‌شود، پژوهش به شکل تطبیقی پیش می‌رود و نوعی پژوهش تطبیقی^۷ به شمار می‌آید.

۲. پیشینه پژوهش

نظریه «انسجام و پیوستگی» در آثار و نظرات تعدادی از مفسران و محققان علوم قرآنی یافت می‌شود برای مثال در کتاب نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور (بقاعی، ۸۵۵م ه ق) و کتاب تناسق الدرر فی تناسب الآیات و السور (سیوطی، ۹۱۱م ه ق) و کتاب مراد المصطلح فی تناسب المقاطع و المطالع (همان) که در این کتابها به طور خاص به موضوع

1. arrangement
2. cohesion
3. coherence
4. Textual relations
5. liner-atomistic
6. register
7. Comparative research

انسجام و تناسب در قرآن پرداخته شده است و کتابهایی همچون: تناسب آیات (معرفت، ۱۳۷۳)، «چهره پیوسته قرآن» (ایازی، ۱۳۸۰)، «پژوهشی در نظم قرآن» (فقهی‌زاده، ۱۳۹۳)، «پیوستگی متن قرآن» (صانعی‌پور و لطفی، ۱۳۹۵)، «روابط متنی قرآن - ربط پیوستگی و ساختار» (الاولی، ۱۳۹۵) و «اکتشاف قرآن» (Rabinson, 1996): نیل رابینسون، که به کلیاتی پیرامون انسجام و پیوستگی قرآن پرداخته‌اند. البته باید گفت این پژوهش‌ها با مسأله حاضر در بخش‌های کوچکی همپوشانی دارند و پرداخت آنها به مسئله انسجام به صورت ضمنی و جزئی صورت گرفته است. و همچنین رساله‌هایی در این زمینه نگاشته شده‌اند که از جمله آنها: رساله «چینش نظام‌مند سوره‌ها در قرآن کریم» (برزگر، ۱۳۹۷) که نویسنده در آن در راستای تبیین نظریه نظام‌مندی سوره‌ها در قرآن به مسئله انسجام و پیوستگی و نظم قرآن توجه ویژه‌ای کرده است، و رساله «انسجام ساختاری و محتوایی قرآن و نقد شبهات تناقض نمایی آیات قرآن» (جعفری، ۱۳۸۹) که نویسنده در آن به بررسی شئون مختلف انسجام ساختاری و محتوایی آیات پرداخته است و شبهات موجود در این زمینه را نقد کرده است. و مقالاتی همچون: «پیوستگی متنی سوره‌های قرآن کریم» (لطفی، ۱۳۹۰): نگارنده آیات را دارای انواع ارتباط‌های لغوی، دستوری و منطقی می‌داند. ایشان می‌کوشد پیوستگی درون‌متنی^۸ را از طریق تحلیل متن^۹ و گفتار نشان دهد، و مقاله «درباره کتاب روابط متنی در قرآن - مناسبت، انسجام و ساختار» (حری، ۱۳۹۰): ابوالفضل حری در این مقاله به معرفی کتاب روابط متنی پرداخته است و فصول کتاب را به گونه موجز تشریح ساخته است. و مقاله «پیوستگی آیات قرآن و نقش آن در تفسیر از منظر علامه طباطبایی (ره)» (اشرفی، ۱۳۸۷). مقاله نام برده به تبیین برخی از پیوندهای معنایی آیات قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی پرداخته است، و مقاله «بررسی رویکردهای انسجام مضمونی آیات و سوره‌های قرآن» (اکرمی، ۱۳۸۹) مسئله اصلی در این نوشتار آن است که ضمن معرفی رویکردهای انسجام مضمونی از جمله نظم و تناسب و سیاق و... و نقد و بررسی آنها، نشان دهد که هر یک از این رویکردها تا چه حد توانسته‌اند انسجام قرآن را اثبات کنند. اما در حوزه بحث ما که اختصاص به بررسی انسجام و پیوستگی در نظام معنایی قرآن از دیدگاه ایزوتسو و علامه طباطبایی (ره) دارد، کتاب، رساله و یا مقاله‌ای مستقل نوشته نشده است، بنابراین آنچه که در تبیین جنبه نوآوری این مقاله باید گفت این است که تلاش کردیم در قالب بیان مبانی و روش‌های ایزوتسو و علامه طباطبایی، انسجام مضمونی و نظام‌مندی قرآن را اثبات کنیم.

۳. پیوستگی

در فرهنگ لغت‌هایی چون دهخدا، فرهنگ فارسی معین و... ذیل واژه «پیوستگی»، مفهوم اتصال و یکی شدن، هم‌بستگی و ارتباط آمده است که در مقابل گسستگی و انفصال قرار دارد. در اصطلاح، مفهوم پیوستگی و پیوستگی متن یکی از تعبیر اساسی دانش زبان‌شناسی است. (البرزی، ۱۳۹۲، ۱۳) پیوستگی متنی به کلیه روابطی اطلاق می‌شود که عنصری از یک جمله را به عناصری از جمله پیشین متصل می‌کند و از آنجا که چنین ارتباطی از طریق روابط متنی صورت می‌گیرد، پیوستگی متنی شامل روابط لغوی، دستوری یا معنایی است. در کنار پیوستگی متنی از پیوستگی معنایی و محتوایی نیز یاد می‌شود. پیوستگی معنایی به ارتباط مطالب متن و تعبیر و تفسیر آن با توجه به بافت‌های موقعیت^{۱۰} در سطوح خرد و کلان، اعم از شرایط اجتماعی، دانش فرهنگی-اجتماعی مفسر درباره حقایق

۸. textual

۹. text analysis

۱۰. context of situation

جهان و تجربیات زندگی، پیش فرض‌ها، فرهنگ، باورها، اعتقادات، تاریخ، بینامتنیت ۱۱ و دانش زمینه‌ای بستگی دارد. (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۲، ۵۵) پس مفهوم پیوستگی در دانش زبان‌شناسی تعریف شده و بر ارتباطی در سطح زبانی و فرازبانی دلالت می‌کند. در اینجا لازم است که به تفاوت میان انسجام و پیوستگی هم اشاره‌ای شود. هرچند این دو مفهوم در بسیاری از موارد با هم و یا به جای هم به کار می‌روند اما می‌توان بین آنها تمایزی قائل شد. مفهوم پیوستگی در حوزه معناشناسی کاربرد دارد و به روابط معنایی میان اجزای یک متن اشاره می‌کند. در حالی که انسجام به رابطه میان واحدهای زبانی (پاره‌گفته‌ها و اجزای متن) می‌پردازد و در بررسی انسجام متن باید پدیده‌هایی را بررسی کرد که در پیوستگی آن سهیم هستند. پیوستگی به ویژگی زبانی گفته می‌شود که جملاتی را که از لحاظ دستوری جدا هستند به یک متن تبدیل می‌سازد. متنیت یک متن به پیوستگی آن بستگی دارد. از این رو پیوستگی از انسجام مهم‌تر است. چرا که متون بسیاری وجود دارد که انسجام دارند ولی همچنان از ابهام معنایی برخوردارند و حال آنکه از سویی دیگر به متونی برمی‌خوریم که انسجام ندارند ولی قابل فهم برای مخاطب هست به دلیل پیوستگی و روابط معنایی موجود در آن.

۴. مبانی تفسیری علامه طباطبایی در بیان ابعاد انسجام قرآن

علامه طباطبایی از مفسرین متأخر و از آن دسته مفسرینی است که در نوع خود، حوزه تفسیر را دچار دگرگونی و تغییر کرد. هرچند شیوه تفسیر قرآن به قرآن منحصر به ایشان و تفسیر المیزان نمی‌شود، اما می‌توان ادعا کرد که ویژگی این تفسیر آن است که هم در آیات بیشتر و هم در تفسیر هر آیه‌ای بیش از تفسیرهای دیگر از آیات قرآن بهره گرفته است. (بابایی، ۱۳۹۱، ۷۵:۲) تفسیر المیزان مجموعه‌ای از مباحث فلسفی، برهانی، روایی و... را شامل می‌شود و علامه در اکثر موارد به بررسی اقوال سایر مفسرین قرآنی می‌پردازد و از شمار قابل توجهی از منابع متقدم و متأخر در رشته‌های گوناگون همچون تفسیر، تاریخ، علوم قرآنی، لغت و... استفاده کرده است که این امر خود یکی از امتیازات المیزان به شمار می‌رود. علامه طباطبایی در مکتب تفسیری خود، معارف قرآن را همچون حقایق هستی پیوسته می‌داند که مصدق یکدیگر هستند و در نهایت انسجام قرار دارند، لذا به منظور نشان دادن ارزش و اعتبار روش تفسیری علامه طباطبایی و کارآمدی آن در اثبات پیوستگی قرآن، به بیان مبانی تفسیری ایشان می‌پردازیم.

۴. ۱ عقلائی بودن زبان قرآن

یکی از مهم‌ترین مبانی فهم قرآن کریم، مربوط به «زبان قرآن» است، منظور از زبان، شیوه‌های مختلف انتقال معنا، نظیر زبان رمز، زبان سمبلیک، زبان علم، زبان ادبی و زبان عرف است (شاکر، ۱۳۸۲: ۱۱۵). در این راستا، علامه طباطبایی اگرچه مبحث مستقلی در آثار خود تحت عنوان زبان دین نگشوده است اما با تتبع و بررسی اندیشه‌های ایشان می‌توان به دست آورد که وی واقع‌گرا بوده و معتقد به صدق و عینیت گزاره‌های دینی است. علامه طباطبایی معتقد است که انسان در فعالیت‌های خود همواره نظر به واقعیت و عالم خارج دارد. این موضع ایشان از طریق تفسیر و تعریف از حکمت الهی یا فلسفه قابل پیگیری است. (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۹۶). از نظر علامه طباطبایی آیه ۳۱ سوره مائده به این واقعیت اشاره می‌کند که بشر خواص هر چیزی را به وسیله حس خود درک می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۱، ج ۵: ۳۰۸) و به وسیله تماس ادوات حسی با امور محسوس، می‌تواند مفاهیم کلی را بسازد. از نظر علامه انسان دارای

11. intertextuality

نیرویی است به نام عقل که در واقع مبدایی برای تصدیق‌های کلی و احکام عمومی است (همو، ج ۱: ۴۸). قرآن کتابی است که برای هدایت بشرنازل شده است، بنابراین ساختار زبانی آن قواعد عقلایی را در گفتار رعایت نموده است و از سویی دیگر سخن گفتن قرآن به گونه‌ای است که همگان می‌توانند از آن بهره بگیرند و زبان قرآن که زبان فطرت است همه انسانها را در بر می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۳، ۳۱).

این همگانی و عقلایی بودن به این معنا نیست که زبان قرآن همان زبان عرفی رایج میان عموم مردم است، بلکه قرآن معانی و حقایق تازه‌ای بر دامن واژگان رایج و مرسوم عرب نهاد و با دگرگونی مفاهیم فکری و باورهای اعراب، نگرش و جهان‌بینی تازه‌ای پدید آورد و پیام خویش را در ظرف واژگان عرب ارائه نمود. (سعیدی روشن، ۱۳۸۵، ص ۲۳۶). حاصل سخن اینکه قرآن قواعد و عرف عقلایی گفتار را رعایت نموده و در عین رعایت انسجام و پیوستگی محتوایی نگرش و بینش خاصی پدید آورده است که می‌توان آن را جهان‌بینی قرآن نامید.

۲.۴ استقلال قرآن در نظام معنایی

یکی از مبانی تفسیر قرآن به قرآن استقلال قرآن در دلالت بر معانی اش می‌باشد به این معنا که قرآن در اصل حجیت آن ذاتی است و با خودش تفسیر می‌پذیرد. علامه طباطبایی معتقد است که قرآن کریم در اصل حجیت و تبیین خطوط کلی معارف دین مستقل است؛ یعنی حجیت آن ذاتی است و با خودش تفسیر می‌شود. زیرا میان واژگان آن پیوندهای ویژه‌ای برقرار است؛ به گونه‌ای که هر واژه، معنای دقیق خود را در ارتباط با واژگان دیگر باز می‌یابد و برای یافتن معانی کلمات و یا گزاره‌ها، نیازی به منابع و قراین برون‌متنی نیست و متن مدنظر (قرآن) در افاده معانی از استقلال کامل برخوردار است. در واقع، به این معناست که آیات قرآن ناظر به هم‌اند و توزیع معارف در گستره متن قرآن کریم، مجموعه‌ای به هم پیوسته و برخوردار از انسجام کامل را تشکیل داده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۲۵۶).

۳.۴ پیوستگی و پیوند معنایی آیات و سوره‌های قرآن:

مهم‌ترین مبنای تفسیر قرآن به قرآن، پیوستگی و پیوند معنایی آیات قرآن است، یعنی آیات قرآن نوعی ارتباط معنایی دارند که می‌توان در فهم و تفسیر برخی از آیات، از آیات دیگر کمک گرفت. این مطلب مورد تایید پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) نیز می‌باشد با توجه به روایت (و اِنَّمَا نَزَّلَ لِيُصَدِّقَ بَعْضَهُ بَعْضًا). بی‌توجهی به پیوند معنایی آیات قرآن موجب می‌شود مفسر میان آیات قرآن ناسازگاری و تنافی ببیند و آیات و کلمات قرآن را از جایگاه مناسب خود خارج کند و به تفسیر به رأی و تأویل‌های ناروا روی آورد. از نظر علامه طباطبایی، حقایق قرآنی در قلب آیات پراکنده ریخته و با بیانات گوناگون تبیین شده است تا معنایی که ممکن است در یک آیه پوشیده بماند با آیه دیگر آشکار گردد، از این رو برخی آیات گواه آیات دیگر و بعضی از آیات بعضی دیگر را تفسیر می‌کنند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۹۳). پیوند معنایی آیات گویای انسجام متن قرآن و تاکید بر وثاقت متن آن است و یکی از وجوه اعجاز قرآن را نمایان می‌سازد، به عبارت دیگر ارتباط زنجیره‌ای واژه‌های کلیدی قرآن و واژه‌های مثبت و منفی با ترسیم پیوند معنایی آنها نقش بسیار مؤثری در تبیین بطون آیات و جهان‌بینی آن دارد، زیرا میدان‌های معناشناسی هر واژه در نتیجه تداخل و ارتباط، ارزش‌های قرآنی را تبیین می‌کند. از نظر ایشان آیات قرآن از جوانب مختلفی با یکدیگر پیوند دارند از جمله: پیوستگی در بیان حقایق، پیوستگی در هدف، پیوستگی آیات یک سوره، پیوند آیات محکم و متشابه، پیوند سوره‌ها با یکدیگر، و پیوند معنایی واژگان قرآن و... میان مفاهیم محوری واژگان قرآن پیوندهای ویژه‌ای برقرار است و فهم صحیح و دقیق آیات قرآن در گرو توجه به انواع پیوندهای معنایی میان آیات آن است. (اشرفی، ۱۳۸۷، صص ۲۶-۵۸)

نظریه پیوستگی سوره

«پیوستگی سوره» شاخه مهمی از «علم مناسبات» در قرآن است. نظریه «پیوستگی سوره» که با عنوان «وحدت موضوعی سوره‌های قرآن» نیز شهرت یافته (شحاته، ۱۹۷۶م، ۴-۵) در پی بیان این نکته است که برخلاف تصور از هم‌پاشانی بودن آیات سوره و از هم‌گسیختگی آن، موضوعات درون یک سوره از انسجام و وحدت ساختاری برخوردار هستند که این پیوند و پیوستگی میان آیات با تدبیر در آنها قابل کشف است. این پیوند می‌تواند شامل پیوندهای لغوی، دستوری و منطقی باشد. این نظریه به هدفمندی سوره‌های قرآن نظر دارد و به دنبال بیان ارتباط و پیوستگی میان آیات است. نظریه «پیوستگی سوره» به پشتوانه تلاش‌های مفسران و محققان علوم قرآنی در مباحثی چون «علم مناسبات»، «نظم قرآن» و... در عصر حاضر به جایگاه قابل ملاحظه‌ای دست یافته است و یکی از آوردگاه‌هایی است که توجه برخی از مفسران و محققان علوم قرآنی را به خود جلب نموده است. در قرن چهاردهم تعدادی از مفسران که از جمله آنها علامه طباطبایی (۱۴۰۲) می‌باشد، در این حوزه نظرات قابل ملاحظه‌ای را بیان کردند و هر کدام بنا به شیوه تفسیری و مبانی‌شان به این موضوع پرداخته‌اند. این مفسران کوشیده‌اند تا فراتر از نگاه جزئی و خطی‌انگارانه در «علم مناسبات» و... نگاه جامعی به سوره داشته باشند و ضمن برقراری ارتباط چند آیه، ارتباط بخش‌های مختلف آیات با هم را تعیین نمایند و در نهایت ارتباط آن موضوع یا موضوعات را با هدف و غرض اصلی سوره بیان نمایند (الاولی، ۱۳۹۵، ۵۰)

علامه طباطبایی در میزان می‌نویسد: اغراض و مقاصدی که از هر سوره به دست می‌آید مختلف است، و هر سوره‌ای غرضی خاص و معنای مخصوصی را ایفاء می‌کند، غرضی را که تا سوره تمام نشود آن غرض نیز تمام نمی‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۶:۱) این تعبیر به بیان دیگر همان وحدت موضوعی است. بدین معنا که هر سوره یک یا چند موضوع محوری دارد که تمام آیات سوره به گونه‌ای منشوروار در جهت آن موضوع یا موضوعات در حرکت‌اند. بحث از وحدت موضوعی ذیل نظریه پیوستگی سوره مطرح می‌شود، زیرا وحدت موضوعی در مورد متنی صادق است که به هم‌پیوسته بوده و دارای انسجام ساختاری و محتوایی باشد. ماحصل نگاه جامع، ساختارمند و سوره‌محور، کشف نکات بدیع و لطیف و دستیابی به پیام نهفته در مجموع آیات یک سوره است. در نظریه پیوستگی سوره، استنطاق از آیات، وابستگی بیش از حدی به خود متن دارد و مفسر اتکای حداکثری به متن را برمی‌تابد تا از این رهگذر به کشف مراد خداوند از آیات بپردازد. این امر همان معنای تدبیر در قرآن برای فهم قرآن است.

مبنایی که قائلان به نظریه پیوستگی سوره در نظر دارند، موضوع «توقیفی بودن چینش آیات» در یک سوره است. در مورد ترتیب چینش آیات در سوره دو دیدگاه وجود دارد. گروهی بر این باورند که چینش آیات به صورتی اجتهادی بعد از پیامبر صورت گرفته (ایازی، ۱۳۸۷، ص ۱۲) و گروه دیگر چینش آیات را توقیفی و از سوی خداوند متعال می‌دانند که در همان زمان نزول مشخص شده که آیات در چه وضعیتی قرار گیرند (همو، صص ۱۵-۱۸) قائلان به دیدگاه دوم در پی یافتن حکمت چینش آیات برآمده و معتقدند که این چینش دارای پیوستگی و انسجامی است که به فهم پیام سوره و در نهایت به فهم پیام قرآن کمک می‌نماید.

۴.۴. تحول و تطور معانی کلمات

از منظر علامه طباطبایی معانی اساسی واژه‌ها در تغییر شرایط و در عین تغییر مصادیق، ثابت هستند. بر اساس

دیدگاه علامه، بشر اولین بار واژه‌ها را برای بیان امور مادی مربوط به نیازهای خود وضع کرد، اما به تدریج همان واژه‌ها را با توجه به تناسب معنایی‌ای که وجود داشت در امور انتزاعی هم به کار برد. از نظر علامه معنایی واژه‌ها به غرض و نیازی که اولین بار انسان‌ها به خاطر آن غرض دست به جعل واژه زده‌اند وابسته است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۵-۱۶/۱) طبق فرمایش علامه، ملاک در بقای معنای حقیقی و عدم بقای آن، همان بقای اثر است، که مطلوب از آن معناست و مادام که در معنای کلمه، تغییری حاصل نشده باشد، کلمه در آن معنا استعمال می‌شود، و به طور حقیقت هم استعمال می‌شود. (همو، ۴۸۷/۲-۴۸۸)

بر این اساس یک واژه در زبان با حفظ محور معنایی، امکان توسعه در معنایی‌ای گسترده‌تر از معنایی ابتدایی از جمله امور غیر مادی را هم دارد. در واقع زبان حقیقتی جاری است و به مرور زمان دستخوش تحولاتی می‌شود. یکی از این تحولات، تغییر در معنای کلمات است. آمیختگی با فرهنگ‌های دیگر، عرفی شدن و مسامحه در معنای دقیق کلمات، از عواملی هستند که زمینه تغییر در مفردات یک زبان را فراهم می‌آورند.

این ویژگی زبان از دو جهت متفاوت در معناشناسی مفردات قرآن باید مورد توجه قرار گیرد:

از یک طرف مفسر باید توجه داشته باشد که برخی از واژگان قرآن در عصر نزول - به مدد قرائن متصل یا منفصل - به معنای خاصی استعمال می‌شده، ولی بر اثر عوامل مذکور دستخوش تحول شده و از معنای عصر نزول فاصله گرفته است. در این موارد مفسر باید توجه داشته باشد از اعتماد بر کتب لغت و فرهنگ‌های معاصر که تنها در صدد بیان معنایی و کاربردهای رایج واژگان عربی در عصر حاضر برآمده‌اند، پرهیز کند. بنابراین، به علت تحول معنایی برخی واژگان در گذر زمان، معنای آنها در عرف قرآن متفاوت از معنای رایج آنها در میان عرب زبانان است، معیار فهم درست اینگونه از مفردات کاربرد رایج آنها در عصر نزول است: (همو، ج ۴، ص ۲۷۱).

از طرف دیگر توجه به این نکته لازم است که در بسیاری اوقات کاربران زبان برای انتقال پیام خود از واژگان به معنایی متفاوت از معنای مرسوم استفاده می‌کنند و به تدریج این معنای جدید حداقل در مورد آن متن و صاحب آن پذیرفته می‌شود، انتقال بسیاری از معارف قرآن به دلایل مختلف از جمله اینکه حقایق غیبی عالم از تعالی ویژه‌ای برخوردار است با معنایی‌ای که انسانها از واژگان در ذهن داشتند میسر نبود، به همین دلیل خداوند برای انتقال پیام از واژگان بشری به معنای خاص قرآنی بهره برده است.

۴. ۵. توجه به سیاق آیات در فهم گفتمان قرآن

سیاق مهم‌ترین و فراگیرترین قرینه در واژه‌پژوهی تفسیر المیزان است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۴۷). سیاق در اصطلاح تفسیر، قرینه پیوسته لفظی است که از ابتدا در دلالت الفاظ بر مقصودش نقش دارد. درک سطوح مختلف سیاق نیازمند درک پیوستگی‌ها و روابط کلمات و در نظر گرفتن مجموعه سوره به مثابه واحدی نظام‌مند است. نقش و اهمیت سیاق در فهم درست و تعیین معنای جملات و واژگان، یکی از اصول پذیرفته شده در باب گفتگوهای عرفی در نزد عقلا بوده و دانشوران علوم قرآنی نیز برای فهم ظواهر متون دینی همواره از آن استفاده کرده و به تأثیر چشمگیر آن در تشخیص مفاد جملات آیات اذعان نموده‌اند. به عبارت دیگر سیاق یکی از قواعد عرفی زبان و حجیت آن امری است عقلایی. در عرف محاوره گوینده حق دارد از قرینه‌های پیوسته لفظی استفاده و مخاطب نیز حق دارد به این قرینه‌ها استناد و احتجاج کند. غفلت از سیاق سوره‌های قرآن، یکی از لغزشگاه‌های مهم تفسیری است که مفسر را خواسته یا ناخواسته تا مرز تفسیر به رأی پیش می‌برد.

مفسر المیزان از سیاق در انواع گوناگون آن، در بررسی واژگان قرآن بهره برده است. سیاق در تفسیر المیزان کارکردهای متنوعی دارد، گاه این قرینه به گسترش مفهوم معنایی یک واژه کمک می‌کند و گاه نیز آن را محدود می‌سازد، که به دلیل اینکه مجالی برای توضیح آنها در این متن نیست تنها به ذکر نام آنها اکتفا شده است. از مهم‌ترین کارکردهای سیاق در ساحت واژه‌پژوهی المیزان می‌توان (گسترش مفهوم واژگان، ترجیح بین قراءات، ارزیابی روایات مبین معانی واژگان (قبول یا رد روایت)، تبیین مصادیق واژگان، تعیین مرجع ضمیر، نقد آراء، تعیین مشارالیه، بیان معانی حروف، تحدید معنای واژگان، تشخیص واژه محذوف، تعیین وجوه متعدد معنایی، مشخص کردن وجوه صرفی و نحوی واژگان (کشف جواب قسم، کشف غرض سوره، کشف سوال مقدر)، تشخیص مکی و مدنی بودن سوره، اثبات وحدت نزول سوره) را نام برد. علامه به سیاق به منزله یک اصل بنیادین در تفسیر قرآن می‌نگرد و اساساً تنها راه برای فهم کلام را «تدبر درسیاق آیات و استمداد از قرائن داخلی و خارجی» می‌داند. (تقویان، ش ۲، ۱۳۸۸).

۵. مبانی نظری ایزوتسو در بیان ابعاد انسجام قرآن

توشیهیکو ایزوتسو (۱۹۹۳م) زبان‌شناس معروف ژاپنی است که در چهار محور قرآن‌پژوهی، عرفان، فلسفه و کلام به تحقیق پرداخته است. (علوی نژاد، ۱۳۸۰، ص ۲۹۰) و تحقیقاتی ارزنده در حوزه قرآن‌پژوهی انجام داده است و برای نخستین بار قرآن را به صورت مستقیم از عربی به ژاپنی ترجمه کرده و از این راه به نکاتی دقیق درباره مفاهیم کلیدی قرآن دست یافته و موفق به تالیف دو کتاب مهم خدا و انسان در قرآن و مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن شده است، ایزوتسو در این دو کتاب با استفاده از روش معناشناسی و با توجه به فرهنگ عرب جاهلی، مفاهیم عمده قرآن را تجزیه و تحلیل کرده و از این راه در پی معناشناسی آیات قرآنی بوده است. (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ص ۳). این زبان‌شناس ژاپنی در رهیافت معناشناسانه خود، مفاهیم مختلف قرآن را در ضمن یک شبکه‌ی معنایی گسترده نگریسته و با شناسایی روابط میان مفاهیم، معانی آنها را کشف کرده است. وی با برخورداری از پیشینه‌ای علمی در زبان‌شناسی و فلسفه، به بررسی معناشناسانه واژه‌های کلیدی قرآن پرداخته و سعی کرده با کشف ارتباط معنایی واژگان در یک شبکه معنایی گسترده، به نظام هماهنگ قرآنی دست یابد. (همو، ص ۵)

۱۰۵ قرآن کریم به مثابه دستگاه معنایی مستقل

به اعتقاد ایزوتسو قرآن کریم دستگاه معنایی منسجمی است که حاکی از جهان‌بینی و نظام فرهنگی است. زیرا به باور او زبان بر شیوه ادراک و تفکر و جهان‌بینی تاثیر می‌گذارد و هر زبانی تصویری متفاوت از واقعیات جهان خارج ارائه می‌کند که اختصاص به آن زبان دارد و گویشوران به آن زبان نیز جهان را آنگونه که زبانشان ترسیم می‌کند، درک می‌کنند.

ایزوتسو با اثرپذیری از این دیدگاه، معتقد است چون ساخت زبان‌ها با هم متفاوت است، مفاهیم موجود در یک زبان را نمی‌توان به طور کامل به زبانی دیگر منتقل کرد. (سورن، ۱۳۸۹، ص ۱۳۳).

ایزوتسو قائل به رابطه حداکثری بین زبان و فرهنگ است و حتی وی تمام واژه‌ها را به نوعی تحت تاثیر فرهنگ محیطی می‌داند که آن واژه در آن به کار می‌رود و معتقد است کلمات نموده‌های اجتماعی و فرهنگی پیچیده‌ای هستند

و در جهان واقعیت حتی یک کلمه هم نمی‌توان یافت که معنی مجسم و ملموس آن کاملاً به وسیله آنچه معنی اساسی نامیدم پوشیده شود. همه کلمات بدون استثناء کما بیش به صورتی برجسته، برخاسته از ساخت فرهنگی محیطی که فعلاً در آن وجود دارند، رنگین شده‌اند. (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ص ۲۰).

از این رو، وی در مطالعات قرآنی خود از این مبنا بسیار اثرپذیرفته است که هر یک از واژه‌های زبان، نمایانگر منظر و زاویه خاصی است که ما از آن به جهان می‌نگریم و آنچه را ما یک مفهوم می‌نامیم، چیزی نیست جز تبلور این منظر و زاویه ذهنی. (ایزوتسو، ۱۳۶۰، ص ۸).

در واقع ایزوتسو بر این باور است که هر واژه یا نظام و سیستم معنایی در بردارنده جهان‌بینی خاصی است و تحلیل معناشناسی منحصر در تحلیل صوری ساخت یک واژه و معنای اشتقاقی آن نیست، بلکه تحلیل معناشناختی دانش فرهنگی است که در پی تحلیل معنای اساسی و نسبی واژه، چهره برجسته‌ای از فرهنگ آن قوم را ترسیم می‌کند. (ایزوتسو، ۱۳۶۰، ص ۱۱).

ایزوتسو از مبنای جهان‌بینی زبانی (جهان هر فرد را مبتنی بر زبان آنها ترسیم می‌کند) به جهان‌بینی قرآنی می‌رسد، زیرا مجموعه واژگان یک زبان نمودی از نحوه تفکر و فرهنگ آن جامعه است که از زبان قرآنی می‌توان جهان‌بینی قرآنی را یافت.

۲.۵ نظام‌مندی زبان قرآن

ایزوتسو بر طبق معناشناسی ساختگرا که بیان می‌کند زبان دارای یک نظام است و تحلیل معنایی در سطح واحدهای یک نظام قابل قبول است. (گیرتس، ۱۳۹۳، ص ۲۰) در مطالعات قرآنی خود بر نظام زبانی تاکید دارد و در حوزه قرآنی به دنبال ترسیم نظام زبانی است.

بر اساس نظر وی، واژه‌ها در یک زبان، یک دستگاه و شبکه به هم گره خورده را شکل می‌دهند. (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ص ۲۲). بنا بر نقل ایزوتسو هر نظام و دستگاه دارای چیزی به عنوان نقشه اساسی و روش ویژه خود است که برای به دست آوردن این نقشه اساسی باید روح ساختمان حاکم بر طبیعت و ماهیت کل نظام آن را مورد تحقیق قرار داد که درباره قرآن نیز باید دستیابی به آن روح ساختمانی و روش آن مد نظر معناشناس باشد. (همو، ص ۳۶). براساس این نظر فهم یک زبان در گرو در یافتن نظام معنایی است که این نظام معنایی در قالب میدان‌های معناشناختی حاکم بر آن زبان متبلور می‌شود.

۳.۵ کاربرت‌های واژگانی منسجم

ایزوتسو زبان قرآن را فرآیندی تاریخی در بازه زمانی بیست سال، در نظر می‌گیرد که مشتمل بر دو دوره متمایز مکی و مدنی بوده است و پس از هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه در زبان وحی به لحاظ معناشناختی تغییری ژرف پدید آمده است. در همین رابطه ایزوتسو سه سطح معناشناختی متفاوت را در تاریخ قدیم زبان عربی در نظر گرفته که در حقیقت نمایانگر سه مرحله از سیر تحول و تکامل واژگان عربی است. از آنجا که واژگان در هر مرحله یک نظام معنایی خاص را شکل داده‌اند می‌توان آنها را در قالب سه نظام معنایی پیش از قرآنی (جاهلی)، نظام معنایی قرآنی که در واقع نص مبدأ برای مسلمانان است و نظام معنایی سنتی که همان دانش‌های دوره میانه اسلامی است که ایزوتسو آن را نظام‌های پس از قرآنی و به ویژه عباسی می‌نامد دسته‌بندی کرد.

وی نظام معنایی جاهلی را متشکل از سه گروه کلمات با سه جهان‌بینی مختلف مندرج در آنها ذکر کرده که

عبارتند از: الف) واژگان بدوی محض که کهن‌ترین و برجسته‌ترین جهان بینی صحرائین را نمایش می‌دهد. ب) واژگان بازرگانی که طبیعتاً با واژگان نخستین ارتباط نزدیک داشت و بر روی آن بنا شده بود و در عین حال نماینده روح و جهان بینی متفاوت و نتیجه گسترش تازه اقتصاد بازرگانی مکه بود و کلمات و اندیشه‌های مخصوص بازرگانان این شهر در آن نفوذ کرده بود.

ج) واژگان یهودی - نصرانی که بخشی از اصطلاحات دینی رایج در میان یهودیان و مسیحیان ساکن عربستان بود و نظام معمایی حنیفان را نیز شامل می‌شد (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ص ۴۴).

اما در مقطع قرآنی ایزوتسو واژگان قرآن را از لحاظ زبان شناختی مخلوطی از این سه نظام متفاوت می‌داند. در عین حال این نکته را یادآوری می‌کند که کلمات استخراج شده از این سه منبع مختلف در قرآن به صورت عناصر ناهمگون قرار نگرفته‌اند. بلکه یک مجموعه سازماندار و منظم از کلمات است که در آن همه کلمه‌ها از هر منبعی که گرفته شده باشند، یکدیگر را تکامل بخشیده و تفسیر و تعبیر منظم تازه‌ای پیدا کرده‌اند.

۵. ۴ تفکیک معنایی واژگان

نخستین گام در فهم متن، تحلیل و بررسی واژگان آن متن است. البته الفاظ به تنهایی در افاده معنای متن دخالت ندارند بلکه ویژگی‌های گرامری الفاظ و ساخت دستوری جمله نیز در تعیین معنا دخیل است. از این رو، دو جمله به لحاظ واژگانی یکسان، ولی به لحاظ ساختاری متفاوت، می‌تواند حامل دو معنای مختلف باشد (لاینز، ۱۳۹۱، ص ۵۰). در نظریه میدان معنایی، با دو گونه معنای واژگانی سر و کار داریم: معنای پایه و معنای نسبی. معنایی که خارج از متن نیز همراه واژه است، «معنای پایه» خوانده می‌شود؛ اما «معنای نسبی» در متن و با توجه به موقعیت واژه در بافت، پدید می‌آید. به عبارتی، معنای اساسی اگر وارد نظام خاصی شود، وضع ویژه‌ای در آن نظام پیدا می‌کند که معنای نسبی نامیده می‌شود. این وضع ویژه بدین خاطر است که عناصر تازه معناشناختی پیدا کرده که همه برخاسته از این وضع خاص کلمه و نیز از روابط و نسبت‌ها و پیوستگی‌های آن با دیگر تصورها و مفاهیم این نظام است. (ایزوتسو، ۳۱، ۱۳۶۱-۶۱).

از آنجا که معنای اساسی نقشی تعیین کننده در درک معنای نسبی دارد و بدون آن، دستیابی به معنای نسبی که در کاربرد قرآنی واژه ملحوظ است، دشوار است فرآیند معناشناسی واژگانی در پیش از نزول قرآن و معنای اساسی شروع شده و با دقت در آیات مربوط به واژه قرآنی و ضمیمه کردن واژه‌های مترادف و متضاد و آیات آن، به بخشی از معنای نسبی می‌رسد که با ایجاد میدان‌های معناشناسی و شبکه معنایی و شناخت واژه‌های کانونی و کلمات کلیدی، جهان بینی واژه کشف می‌گردد.

اصطلاح معنای پایه و نسبی را می‌توان در تفسیر قرآن به قرآن تحت عناوین دیگری رصد نمود؛ مباحثی مانند مبحث «حقایق شرعیه»؛ واژگانی مانند صلاه، صوم، حج، زکات و ... که شارع آنها را در مفاهیمی جدید غیر از مفاهیم لغوی آنها به کار برده و به تدریج استعمال آنها در این معنای، حقیقت شده است (آخوند خراسانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۱). این حقایق شرعیه به نوعی نشان‌دهنده معنای نسبی واژگان در دستگاه فکری و معنایی قرآن است. در تفسیر قرآن به قرآن معمولاً بر اساس معنای شرعیه‌ای که واژگان دریافت نموده‌اند، تفسیر صورت می‌گیرد. اما واقعیت آن است که افزون بر حقایق شرعیه، در موارد بسیاری، معنای واژه‌های قرآنی که تحت تأثیر نظام فکری و فرهنگی قرآن به وجود

آمده، با توجه به قراین درون‌متنی قابل استنباط است (فتحی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۱). بنابراین با عنایت به این موضوع که در موارد بسیاری معنای واژه‌های قرآنی تحت تأثیر نظام بینشی قرآن، بار معنایی خاصی را کسب نموده‌اند، لازم است قاعده «توجه به معنای پایه و نسبی» و تفکیک این دو معنا، به صورت نظام‌مندتر و فراگیرتری در روش تفسیر قرآن به قرآن مورد استفاده قرار گیرد.

۵. ۵. ذومراتب بودن کلمات و ارتباط اندراجی معانی

معناشناسان حوزه معنایی، واژگان یک متن را به «کلیدی»، «کانونی» و «فرعی» تقسیم می‌کنند. این گونه رده بندی در مبحث غرر آیات نمود دارد. به اعتقاد ایزوتسو، واژگان کلیدی در ساخت جهان‌بینی قرآنی جایگاه ویژه دارند (ایزوتسو، ۱۳۹۲، ص ۹۰) به طوری که با مطالعه آنها می‌توان به منظومه فکری قرآن و کشف معنای گزاره‌های قرآنی دست یافت. این نقش سازنده‌ی کلمات کلیدی در تفکر قرآن، لزوم تعیین و تشخیص کلمات کلیدی قرآن را می‌طلبد. برای مثال، ایزوتسو واژه «کفر» را به دلیل اینکه فراگیرترین اصطلاح برای تمام ارزش‌های اخلاقی و دینی منفی است که در قرآن شناخته شده، به عنوان واژه کانونی برمی‌گزیند. سپس وی از کلماتی همچون «فسق»، «فجور»، «ظلم»، «اسراف»، «اعتداء» به عنوان کلمات کلیدی نام می‌برد که پیرامون این واژه کانونی وجود دارد. (ایزوتسو، ۱۳۸۸، ص ۳۱۳)

ایزوتسو در ابتدای کار معناشناسی، کلمات کانونی دستگاه زبانی قرآن را بیان می‌کند (ایزوتسو، ۱۳۹۲، ص ۲۲)؛ سپس بر اساس این کلمات میدان‌های معناشناختی تشکیل داده و روابط معنایی این واژگان با سایر کلمات هم‌حوزه آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد (همو، ص ۲۸). این بررسی نتایج در خور توجه‌ای را به دنبال داشته و سبب کشف وجوه معنایی کلمات گردیده است. لذا می‌توان ادعا نمود رتبه‌بندی و تعیین واژگان کلیدی و کانونی در متنی همانند قرآن، در روند معنایی و فهم آن متن کمک شایانی خواهد نمود. اما مسأله حائز اهمیت، تعیین قوانینی برای یافتن کلمات کلیدی است؛ به اعتراف صاحب‌نظران، «کلمات کلیدی» به درستی تعریف نشده و قاعده‌ی جامع و مانعی برای آن بیان نشده است (خامه‌گر، ۱۳۸۲، ص ۱۵۶)؛ لذا در انتخاب این کلمات، سلیقه محقق اثرگذار بوده و میزان خاصی از ذوقی بودن در گزینش واژگان کلیدی، اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود (ایزوتسو، ۱۳۹۲، ص ۲۲).

عدم قاعده‌مندی در انتخاب واژگان کلیدی، منجر به هرج و مرج علمی در تحقیقات معناشناسانه خواهد گشت. به طوری که دو تحقیق هر چند با عنوانی واحد، منجر به نتایج یکسانی نشده و نمی‌توان زبان مشترکی برای بررسی‌های معنایی در نظر گرفت (لطفی، ۱۳۹۳، ص ۴۵). در واقع محقق معناشناس با گزینش کلمات کلیدی، و پایه‌گذاری تحقیق خود بر آن، مسیر خاصی را برای رسیدن به نتیجه می‌پیماید. لذا نوع نگاه و اعمال سلیقه محقق در روند معناشناسی وی تأثیرگذار است. امری که با هدف علم معناشناسی یعنی «مطالعه علمی معنا، بدون پیش‌داوری و تعصب» (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۶)، در تناقض آشکار است.

۵. ۶. توجه به بافت زبانی و موقعیت در فهم گفتمان قرآن

مراد از بافت کلام، مجموع شرایط و قراین حالیه و مقالیه‌ای است که باعث فهم مطلب می‌شود (پاکتچی، ۱۳۹۲، ص ۴۲-۴۹). «برای دریافت معنای دقیق یک جمله و متن به غیر از معناهای ظاهری کلمات درج شده در فرهنگ لغت، عواملی همچون موقعیت‌های اجتماعی، زمان و مکان، اشتراکات فرهنگی طرف‌های گفتگو نقش زیادی دارد که به این عوامل بافت گفته می‌شود.» (کوک، ۱۳۸۸: ۵۷) در بسیاری از موارد، شرایط حالی و مقالی ایجاد گفتار، در شکل‌گیری

معنا دخیل هستند؛ از این شرایط تحت عناوین «بافت متنی» و «بافت موقعیتی» یاد می‌شود.

بنابراین، منظور از «بافت متنی» یا «بافت درون‌زبانی» این است که یک عنصر زبانی در چارچوب چه متنی قرار گرفته و جملات ماقبل و مابعد آن، چه تأثیری در تبلور صوری، کارکرد و معنای آن دارند (تاجیک، ۱۳۷۹، ص ۲۴).

ایزوتسو نیز در کارهای قرآنی خود به بافت درون‌متنی توجه داشته و آن را ساده‌ترین موردی می‌داند که به واسطه آن یک آیه یا عبارت از لحاظ معنایی اعتبار پیدا می‌کند (ایزوتسو، ۱۳۸۸، ص ۷۴). مثلاً وی با توجه به بافت آیه «وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ...» (بقره: ۱۷۷) معتقد است «بر» به معنای واقعی‌اش بجا آوردن ظواهر دینی نیست، بلکه تقوا و نیکی به آن نوع از صداقت اجتماعی گفته می‌شود که به طور طبیعی از ایمان واقعی به وحدانیت نشأت می‌گیرد (ایزوتسو، ۱۳۸۸، ص ۷۴).

در نگاه ایزوتسو، مراد از بافت، هم محیط بیرون از زبان (بافت برون‌زبانی) و هم متنی است که جمله مورد نظر را در بر می‌گیرد (بافت درون‌زبانی). در ادبیات تفسیری نیز «بافت موقعیتی» با عبارت «فضای نزول» هم‌پوشانی دارد؛ عنوانی عام که برای اشاره به عناصر خارج از متن قرآن که در دستیابی به معانی آیات اثرگذارند، استفاده می‌شود (فقهی‌زاده، ۱۳۷۴، ص ۱۱۹).

از عناصر مهم فضای نزول، فرهنگ زمان صدور است که نقش آن در فهم محتوای آیات انکارناپذیر است. منظور از فرهنگ زمان نزول، اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... است که در زمان نزول آیات در میان مردم رواج داشته و بر محیط آنان حاکم بوده است (بابایی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۳؛ رجبی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۴). مفسران از این عنصر در فهم و تفسیر آیاتی همانند آیه ۱۸۹ سوره بقره و ۳۷ سوره توبه بهره برده‌اند (صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۹۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۴۵).

توجه به لحن و فضای سخن از دیگر عناصر فضای صدور کلام هستند. این عنصر هم در تفسیر قرآن به قرآن مطرح گشته و هم در معناشناسی بدان توجه شده است.

توجه به بافت در تفسیر قرآن به قرآن و نظریه میدان معنایی مشترک بوده و هر دو روش کم و بیش از این قاعده در دریافت معنا بهره می‌جویند؛ اگرچه گستردگی دامنه «بافت» در آنها متفاوت است.

۵. ۷. نقش تمهیدی مطالعات فرامتنی در تفسیر

درک دقیق جهان بینی واژه و مفهوم قرآنی به این نیاز دارد که مطالعات فرامتنی و مقایسه‌ای بین جهان‌بینی و فرهنگ زمان نزول و زمان پیش از آن (دوره جاهلیت) و ادوار پس از نزول انجام پذیرد؛ زیرا هر واژه ای در هر زمانی، جهان‌بینی ویژه خود را دارد که از فرهنگ و جهان‌بینی همین واژه در زمان و فرد و گروه دیگر متفاوت است. لذا به منظور درک دقیق‌تر از معنای واژه در زمان نزول و تطورات همین واژه در دور ه‌های پس از عصر نزول، لازم است مطالعات فرامتنی نیز انجام شود.

مطالعات فرامتنی پیش از نزول قرآن که در آن، جهان‌بینی واژه در زمان نزول قرآن با زمان پیش از نزول مقایسه می‌گردد و مطالعات فرامتنی پس از نزول قرآن که در آن، جهان‌بینی واژه در زمان نزول با جهان‌بینی همین واژه در دور ه‌های اسلامی مقایسه می‌گردد می‌توانند شواهدی مفهومی برای تبیین دقیق واژگان قرآن فراهم آورند اما درک دقیق مفاهیم واژگان در دستگاه معنایی قرآن و نسبت‌هایی که با سایر واژگان در شبکه مفهومی برقرار می‌کند حاصل می‌آید.

در حقیقت در این روش، شبکه پیچیده و در هم پیوسته واژگانی از کل قرآن که مفاهیم را در دستگاه تصویری خود به طور منفرد و جدا از یکدیگر مورد بررسی قرار نمی‌دهد بلکه براساس آن، مجموعه این واژه‌ها ارتباط برقرار می‌کند و در سایه کل انگاری و نگرش جامع به مفاهیم و توجه به فرهنگ و فضای فکری حاکم بر واژگان، تعبیر از واژه‌ها و اهداف و پیام قرآن را تغییر می‌دهد. زیرا دستگاه قرآن یک دستگاه چند لایه است که بر روی عده ای از تقابل های تصویری و اساسی قرار گرفته است که هر یک از آنها یک میدان معنا شناختی خاصی می‌سازند. (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ص ۹۰)

هدف ایزوتسو از این طرح يك حرکت معناشناختی نظام‌مند است زیرا او معتقد است میان مجموعه این واژه‌ها ارتباط برقرار است و در سایه کل نگری و نگرش جامع به مفاهیم و توجه به فرهنگ و فضای فکری حاکم بر واژگان، تفسیر از واژه‌ها و اهداف پیام قرآن تغییر پیدا می‌کند و پیام‌های قرآن با ابعاد و نگرش دیگری مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. البته ایزوتسو ادعان دارد که روش دستیابی به این معناشناسی آسان نیست و نیازمند بررسی جامع از واژه‌هاست.

۶. تطبیق مبانی ایزوتسو و علامه طباطبایی در انسجام قرآن

۶. ۱. ایزوتسو و علامه طباطبایی هر دو معتقدند که قرآن مهم‌ترین منبع برای تفسیر خودش است و هر دو هدفشان این است که کاری کنند که قرآن به زبان خود سخن بگوید و مفسر خود باشد. در واقع مراد از همسویی پایه‌ای معناشناسی با تفسیر قرآن به قرآن، رویکرد بهره‌گیری حداکثری از آیات قرآن در تفسیر قرآن است. ایشان بیان می‌کنند که میان واژگان قرآن پیوندهای ویژه ای برقرار است به گونه‌ای که هر واژه معنای دقیق خود را در ارتباط با واژگان دیگر باز می‌یابد و به بیان دیگر معتقدند که نظام و ساختار کلی زبان قرآن، همان نظام زبانی عقلا در انتقال معناست و عقلا در محاورات خود، زبان را شبکه ای به هم پیوسته می‌دانند که برخی قرینه فهم دیگری قرار می‌گیرند (خویی، ۱۳۹۵، ص ۲۶۱)، و این به این معناست که آیات قرآن ناظر به هم اند و به رغم توزیع معارف در گستره متن قرآن کریم، مجموعه‌ای به هم پیوسته و برخوردار از انسجام کامل است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۵۶، ۱۷).

۶. ۲. توجه به بافت در تفسیر قرآن به قرآن و معناشناسی زبانی مشترک بوده و هر دو روش کم‌وبیش از این قاعده در دریافت معنا بهره می‌جویند؛ اگرچه گستردگی دامنه «بافت» در آن‌ها متفاوت است. عنصر زبان شناختی «بافت متن» که در ادبیات تفسیری از آن با عنوان «سیاق» یاد می‌شود، بسیار درخور توجه علامه طباطبایی قرار گرفته و آن را بهترین دلیل بر فهم نصوص قرآنی دانسته است (همو، ج ۶: ۱۱۶)؛ بنابراین، در تفسیر *المیزان*، ترجیح یکی از وجوه معنایی آیه (همو، ج ۵: ۳۴۲)، تعیین مصداق (همو، ج ۱۰: ۶۴) قبول یا رد روایات و ارزیابی صحت و سقم اقوال مفسران (همو، ج ۳: ۲۵۱) به وسیله عنصر سیاق صورت می‌گیرد. از آنجا که تفسیر قرآن به قرآن و معناشناسی زبانی قائل به استقلال دلالتی متن و متن محوری هستند، بافت متن یکی از قوی‌ترین قراین مشترک کشف معنا در این دو روش به حساب می‌آید. طبق این رویکرد، قرآن نظامی معنایی است که مجموعه‌ای از تصورات به هم پیوسته را عرضه می‌کند.

۶. ۳. ایزوتسو معتقد است که در معناشناسی زبانی واژه‌ها کارکردهای متفاوتی دارند و برخی از واژه‌ها در ساختن جهان بینی قرآن نقش کلیدی و برخی نقش کانونی دارند و استخراج معنای این واژه‌ها در بافت کلام بررسی می‌شود، بنابراین باید افزون بر کشف واژه‌های مرتبط، به آیاتی که واژه در آنها به کار رفته‌اند نیز توجه کنیم همانطور که در روش تفسیر قرآن به قرآن که روشی تکامل یافته از فعالیت‌های تفسیری است با رویکرد آیه محوری به تفسیر و کشف مدالیل و

مرادات آیات قرآن پرداخته می‌شود و در این میان نقش کانونی را آیاتی به عهده دارند که بیشترین سهم را در کشف مراد خداوند در شبکه‌ای از آیات مرتبط با موضوع خاص دارا هستند. معناشناسی زبانی افزون بر اینکه راهکاری مناسب برای کشف و دسته‌بندی آیات مرتبط است، شیوه + تحلیل مناسبی را به منظور دستیابی نظر نهایی قرآن و کشف جهان بینی آن در موضوع خاص به دست می‌دهد.

۴. ۶. قرآن کریم هما‌نطور که به لحاظ قالب و ساختار مجموعه‌ای هما‌هنگ و به هم پیوسته است، از حیث محتوا و معارف نیز هیچ‌گونه اختلاف و تناقضی در ساختش راه ندارد، و تفسیر قرآن هم با بهره‌گیری از الگوهای معناشناختی و کشف ساختار نظام مند قرآن به روشن شدن اعجاز بیانی قرآن و کشف نظام مندی معرفتی قرآن کمک کرده است و جهان بینی قرآن را آشکار کرده است و از این طریق معناشناسی زبانی می‌تواند بر پایه اصل بینامتنی ابزاری قدرتمند و پویا در خدمت مفسر قرآن به قرآن باشد، چرا که تفسیر قرآن به قرآن هم در پی مواجهه‌ای نظام مند با قرآن است و آن را مجموعه‌ای پیوسته می‌بیند.

بنابراین می‌توان گفت که معناشناسی زبانی که ایزوتسو به آن پرداخته است با مواجهه نظام مند با قرآن در مقام فهم، می‌تواند نقشی مهم در تفسیر قرآن به قرآن و کشف مرادات الهی و دلالات گوناگون آیات ایفا کند از جمله: ۱- تشخیص معنای اساسی از نسبی ۲- استخراج اصطلاحات کلیدی قرآن ۳- اثبات نظام مندی معارف قرآن ۴- کشف و تحلیل آیات مرتبط

۵. ۶. ایزوتسو صرفاً رسالت و جهان بینی قرآن را برپایه واژگان مورد بررسی قرار می‌دهد و با کشف ارتباط معنایی واژگان در یک شبکه معنایی گسترده به نظام هماهنگ قرآنی دست می‌یابد، بنابراین تحلیل معناشناختی قرآن و نگاه پیوسته به مفاهیم از نظر ایزوتسو عبارت است از تحقیق در کل واژگان قرآن آن هم به لحاظ کیفی نه کمی، چرا که او معتقد است که بررسی و نشان دادن پیوستگی بعد کیفی دارد یعنی باید کلماتی در قرآن بررسی شود که نقش قطعی در ساختن جهان بینی قرآن دارند. ولی علامه طباطبایی به تبیین و تفهیم کل آیات می‌پردازد و به پیوند معنایی و تفهیم کل آیه توجه دارد و در واقع ایشان علاوه بر تبیین وجوه متعدد واژگان قرآن به تبیین معارف قرآنی، تبیین اجمالی آیات، بیان مراد از آیات مشابه، تخصیص آیات عام، رفع تعارض آیات و... می‌پردازد. در واقع در تحلیل رویکردهای ادبی و زبان‌شناسی ایزوتسو و علامه می‌توان گفت علیرغم آنکه رویکرد ایزوتسو در تبیین آیات قرآن، کلمه‌محور بوده و علامه نگرشی آیه‌محور دارد اما این امر مانعی برای استخدام نظریه‌های زبان‌شناسی در مطالعات قرآنی محسوب نمی‌شود؛ زیرا تحلیل و فهم متن و آیات و گزاره‌ها، نیازمند بررسی واژگان به وجود آورنده متن است. لذا ایزوتسو ضمن توجه وافر به واژگان و پیوستگی‌های معنایی آن‌ها در عمل به آیات و گزاره‌ها نیز توجه کرده است. علامه طباطبایی نیز در تبیین آیات، تحلیل معنای واژگان را پیش‌نیاز فهم قرآن می‌داند.

۶. ۶. علامه و ایزوتسو هر دو به پیوستگی و تناسب در قرآن معتقدند، اما ایزوتسو به پیوستگی‌های میان واژگان در یک نظام معنایی پرداخته است و هدف از این پیوستگی را افزون بر روشن ساختن جایگاه واژه در فرهنگ قرآنی، ارائه موضوع منسجم و سیستمی در کنار دیگر موضوعات و مفاهیم قراردادده است ولی در روش تفسیر قرآن به قرآن علامه به پیوستگی سوره، آیات و واژگان توجه شده است و به نظر می‌رسد مهم‌ترین مبنای تفسیر قرآن به قرآن پیوند معنایی آیات قرآن است. از نگاه علامه طباطبایی انسجام و پیوستگی در قرآن فوایدی دارد از جمله: ۱- تعیین نقش جملات، کلمات و

ادبیات آیات ۲- انکار تحریف قرآن ۳- شبهه زدایی از ساحت قرآن ۴- اثبات چینش منطقی آیات ۵- امکان گروه‌بندی و دسته‌بندی آیات و تفسیر بهینه ۶- کشف تاریخ نزول ۷- اثبات اعجاز قرآن ۸- توقیفی بودن ترتیب آیات در سوره‌ها ۹- تعیین غرض و هدف سوره و... (اشرفی، ۱۳۸۷، ص ۲۶)

۷. نتیجه‌گیری

۱. انسجام و پیوستگی قرآن در سطوح مختلف آن با روش معناشناسی قرآنی و تفسیر قرآن به قرآن که سبکی متقن و مورد عنایت خود قرآن است و بر استفاده حداکثری از خود قرآن تاکید دارد قرابت دارد، چرا که در معنا شناسی با کشف ارتباط معنایی واژگان و انسجام آنها در یک شبکه معنایی گسترده می‌توان به نظام هماهنگ قرآنی دست یافت و در تفسیر قرآن به قرآن نیز علامه معتقد است که آیات قرآن ناظر به هم اند و به رغم توزیع معارف در گستره متن قرآن کریم، مجموعه ای به هم پیوسته و برخوردار از انسجام کامل است.
۲. ایزوتسو با به کارگیری روش معناشناسی به تجزیه و تحلیل برخی از مهم‌ترین واژگان قرآن (واژگان کلیدی) پرداخته است و با اثبات نظام‌مندی معارف قرآن و کشف آیات مرتبط توانسته است انسجام و پیوستگی واژگان قرآن را اثبات کند و از این طریق نقش مهمی در تفسیر قرآن به قرآن داشته باشد.
۳. علامه طباطبایی هم با به کارگیری روش تفسیر قرآن به قرآن علاوه بر تبیین وجوه متعدد واژگان قرآن به تبیین معارف قرآنی پرداخته است و با رفع تعارض آیات، به ارائه تصویری کامل و پیوسته از آیات قرآن دست زده است.

۸. منابع

- قرآن کریم

۱. ابن قیم، شمس الدین ابی عبدالله محمد بن ابی بکر ابن ایوب الزرعی، *الفوائد المشوق الی علوم القرآن و علم البیان*، بیروت- لبنان، دارالکتب العلمیه، م ۷۵۱ه
۲. الاوی، سلوی، *روابط متنی در قرآن*، ترجمه سید اکبر جلیلی، انتشارات نویسه پارس، ۱۳۹۵
۳. ایزوتسو، توشیهیکو، *مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید*، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، فروزان فر، (۱۳۷۸ ش).
۴. -----، *خدا و انسان در قرآن مجید*، ترجمه احمد آرام، تهران، شرکت سهامی انتشار، (۱۳۸۱ ش)
۵. -----، *مفهوم ایمان در کلام اسلامی*، ترجمه زهرا پور سینا، چاپ سوم، انتشارات سروش، (۱۳۸۹ ش).
۶. آخوند خراسانی، محمد کاظم، *کفایه الاصول*، چاپ اول، قم، موسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث، (۱۴۰۹ ق).
۷. ایازی، محمد علی، *چهره پیوسته قرآن*، تهران، نشر هستی نما، ۱۳۸۰ ش.
۸. ایازی، سید محمد علی، «ایزوتسو و نقد و بررسی دو اثر قرآنی وی»، *فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (س)*، شماره ۳، ۱۳۹۳.
۹. آفاگل زاده، فردوس، *فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربرد شناسی*، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۹۲ ش.
۱۰. اشرفی، امیر رضا، «پیوستگی آیات قرآن و نقش آن در تفسیر از منظر علامه طباطبایی»، *فصلنامه قرآن شناخت*، سال اول، ۱۳۸۷، شماره ۲
۱۱. اکرمی، ایوب، «بررسی رویکردهای انسجام مضمونی آیات و سوره‌های قرآن»، *فصلنامه مشکوه*، ۱۳۸۹، شماره ۲

۱۲. بقاعی، ابراهیم بن عمر، *نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۱۳. بابایی، علی اکبر، *مکاتب تفسیری*، جلد اول، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، تهران، سمت، (۱۳۹۱ش).
۱۴. برزگر، محمد، *چینش نظام مند سوره ها در قرآن کریم*، دانشگاه مذاهب اسلامی، ۱۳۹۷.
۱۵. پاکتچی، احمد، *آشنایی با مکاتب معناشناسی معاصر*، نامه پژوهش فرهنگی، ش ۳، (۱۳۸۷ش) صص ۸۷-۱۲۰.
۱۶. تاجیک، محمد رضا، *کتاب مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمانی*، تهران، انتشارات فرهنگ، پژوهشگاه فرهنگ و هنر، (۱۳۸۷ش).
۱۷. تقویان، عباس، «گونه‌شناسی سیاق در تفسیر المیزان- صورت بندب و کارکرد»، *فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، سال ششم، شماره دوم، ۱۳۸۸.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء، ۱۳۸۷ش.
۱۹. جعفری، مهدی، *انسجام ساختاری و محتوایی قرآن و نقد شبهات تناقض‌نمایی آیات*، دانشگاه معارف اسلامی قم، ۱۳۸۹.
۲۰. حری، ابوالفضل، «مطالعه زبانشناختی روابط متنی در قرآن»، *پژوهش‌های قرآنی*، ۱۳۹۰ش.
۲۱. خویی، سید ابوالقاسم، *البیان فی تفسیر القرآن*، قم، دار الثقلین، ۱۴۱۸ق.
۲۲. خامه گر، محمد، *ساختار هندسی سوره‌های قرآن*، تهران، چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۶.
۲۳. رایبسون، نیل، *اکتشاف قرآن*، آلمان، انتشارات ترسیون، ۱۹۹۶ق.
۲۴. رجبی، محمود، «تفسیر موضوعی قرآن از منظر استاد مصباح»، *قرآن شناخت*، ۱۳۸۸، شماره ۲.
۲۵. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، *تناسق الدرر فی تناسب الآیات والسور*، تحقیق عبدالله محمد درویش، دمشق، دارالکتب العربی، ۱۴۰۸ق، چ ۲.
۲۶. سورن، پیتر، *مکاتب معناشناسی نوین در غرب*، ترجمه علی محمد حق شناس، تهران، سمت، ۱۳۸۹ش.
۲۷. سعیدی روشن، محمد باقر، *تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵ش.
۲۸. شحاته، محمد محمود، «اهداف کل سوره و مقاصدها فی القرآن»، *دوفصلنامه علوم قرآن و حدیث*، ۱۳۹۸ش، شماره اول.
۲۹. شاکر، محمد کاظم، *روش‌های تاویل قرآن*، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه، ۱۳۷۶ش.
۳۰. صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنه*، چاپ اول، تهران، انتشارات شکرانه.
۳۱. صانعی پور، محمد حسن، *پیوستگی متن قرآن کریم*، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۵ش.
۳۲. صفوی، کوروش، *درآمدی بر معناشناسی*، چاپ سوم، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۷ش.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسین، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۴۱۵ق.
۳۴. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، جلد پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۳۵. علوی نژاد، سید حیدر، «معناشناسی و فهم متن»، *مجله پژوهش‌های قرآنی*، ش ۲۷، ۱۳۸۰، ۲۸ش.
۳۶. فتحی، علی، «مبانی قرآنی تفسیر قرآن به قرآن»، *نشریه معرفت*، ش ۱۳۸۸، ۱۳۶ش.

۳۷. فقهی زاده، عبدالهادی، *روابط آیات در قرآن کریم*، موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، ش ۱۳۷۴، ۶ ش.
۳۸. کوک، کریس، *سنجش و ارزیابی روانشناختی محیط*، ترجمه جهانبخش صادقی، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
۳۹. گیررتس، دیرک، *نظریه های معنا شناسی واژگانی*، ترجمه کوروش صفوی، تهران، نشر علمی، ۱۳۹۳ ش.
۴۰. لاینز، جان، *مقدمه ای بر معناشناسی زبانشناختی*، ترجمه حسین واله، تهران، گام نو، ۱۳۸۵ ش.
۴۱. لطفی، سید مهدی، «بررسی و نقد معناشناسی قرآنی ایزوتسو»، *پژوهشهای زبانشناختی قرآن*، ۱۳۹۳ ش.
۴۲. لطفی، سید مهدی، «پیوستگی متنی سوره های قرآن کریم»، *مطالعات قرآن و حدیث*، ۱۳۹۰ ش.
۴۳. معرفت، محمد هادی، *تناسب آیات*، ترجمه عزت الله مولایی نیا همدانی، قم، مرکز نشر بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۴۴. محقق، مهدی، *زندگی نامه و خدمات علمی فرهنگی ایزوتسو*، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۵ ش.